

نقش و جایگاه احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران / قسمت دوم

## احزاب و سازماندهی توده‌های مردم



فرا از احزاب هستند به‌عنوان نمونه «جمعیت» و «چمن» بیشتر به گروه‌های رسمی گفته می‌شود که به منظور انجام هدف‌های ویژه‌ای پیدا شده‌اند و دارای تشکیلات منظم بوده و وجود آنها مورد حمایت رسمی قوانین کشور است. نظیر انجمن‌های انتفاعی و غیر انتفاعی که به دنبال منفعت مادی یا اهداف غیرمادی می‌باشند. البته گاهی ممکن است «جمعیت» و «انجمن» سیاسی یا رنگ سیاسی داشته‌باشند

اماد این صورت نیز با حزب تفاوت دارد و دارای خاصه‌هایی که برای احزاب عنوان نمودیم نیستند

اما در خصوص چگونگی پیدایش احزاب باید گفت که اجتماعی بودن انسان و ضرورت اجتماعی قدرت و حکومت از همان ابتدا جوامع انسانی را با گروه بندی‌هایی از قبیل دسته، گروه، باند، جناح، قبیله و غیره مواجه نمود ولیکن با گذشت زمان و روند تکامل اجتماعی حاکمیت و حکومت از تباط جوامع و مردم با پدیده حکومت در عصر حاکمیت ملی و ضرورت مشارکت مردمی، احزاب خاص را به عنوان یک واقعیت اجتماعی برای حضور مردم در صحنه قدرت الزامی کرد. بنابراین پیدایش و گسترش احزاب سیاسی با گسترش مردم‌سالاری پیوند خورده‌است. اندیشه «کلیه‌قوا ناشی از ملت‌است» که امروزه تقریباً در تمامی قوانین اساسی کشورها دیده می‌شود، شرکت همه شهروندان را در زندگی سیاسی در سار داد بدین صورت که زمامداران جامعه باید از سوی مردم انتخاب شوند و در نتیجه توده مردم به نیروی

مرور  
میلیم عظیمی

آشنایی با ابعاد حقوقی یک جرم

### شلاق و حبس در انتظار توهین‌کنندگان



خاص رجوع کرد که البته این وظیفه بر عهده مقام قضایی رسیدگی کننده می‌باشد. نکته دیگر در خصوص جرم توهین به طور کلی این است که در جرم توهین آگاهی مرتکب به موهن بودن مطالب لازم است اما نیات خاصی مثل قصد جریهدار کردن احساسات عمومی یا بدبین کردن مردم نسبت به مبانی دینی یا بر هم زدن نظم عمومی یا مقابله با نظام ضرورت ندارد و در مواردی هم که اینگونه انگیزه‌ها وجود نداشته باشد علم و اطلاع مرتکب به اهانت آمیز بودن مطالب اظهاری برای تحقق این جرم کفایت می‌کند.

برخی از جرائم در نظام حقوقی بر اساس شرایط متفاوت از جمله نوع رفتار مجرمانه یا بزه دیده جرم به دو شکل ساده و مشدد مورد بررسی قرار می‌گیرند

**حقوق اسلامی به موازات اهتمام به تمامیت جسمانی افراد جامعه‌برای شخصیت معنوی و حیثیت آنها نیز اهمیت زیادی قائل است و با جرم انگاری عمل توهین مبادرت به حمایت از شخصیت معنوی افراد جامعه نموده است**

## حقوقی

استفاده سیاسی از توده مردم بدون شکل و عنوان خاصی با دشواری روبه‌رو است و لازم است این توده در سازمان خاصی شکل بگیرند. احزاب نماد سازمان‌بندی توده مردم در این خصوص می‌باشد. در این ارتباط اصولاً احزاب به دو صورت ظهور یافته‌اند. یکی از راه فعالیت‌های انتخاباتی و دیگری پیدایی پس از مرحله انتخابات

بدین صورت بوده است که نامزدهای نمایندگی مجالس و طرفدارانشان برای پیروزی در انتخابات گروه‌هایی تشکیل می‌دادند تا اغلب رای دهندگان را که از نامزدهای انتخابات می‌پزنامه‌های آنها آگاهی نداشتند با بیان برنامه‌ها و اهدافی که نامزدها به دنبال تحقق آن هستند به سوی نامزدهای خود راهنمایی و هدایت کنند.

در اغلب موارد نامزدهای انتخاباتی با برنامه‌های مشترک و خط‌مشی‌های نزدیک به هم به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های انتخاباتی یک گروه تشکیل می‌دادند یا در عمل با یکدیگر متحد می‌شدند. همبستگی‌های محلی و نزدیکی حوزه‌های انتخاباتی، دفاع از منافع طبقاتی یا شغلی از دیگر انگیزه‌های اتحاد و پیوستن نامزدها و گروه‌های انتخاباتی به شمار می‌رفت. به این انگیزه‌ها باید، گسترش احساسات عدالت‌خواهی و برابری میان توده‌های مردم را یاد کرد که با گرد آمدن دور هم و پیوستن نیروها و رای‌هایشان کوشیدند که از امتیازهای قدرتمندان بکاهند و قدرتشان را در هم شکنند. پس از تشکیل گروه نمایندگان مجلس و گروه‌های انتخاباتی کافی بود تا میان این دو گروه پیوند دائمی پدید آید تا تبدیل به یک حزب واقعی گردند.

اما شکل‌گیری احزاب در خارج از جریان انتخابات اصولاً بدین صورت بوده است که پس از برگزاری انتخابات آن دسته از نمایندگان که دارای مشی‌های فکری شبیه به هم بوده‌اند گرد جمع می‌شدند و گروهی را تشکیل می‌دادند. وظیفه اصلی این گروه برنامهریزی برای انتخابات آینده بود تا در هم زمان انتخابات جدید با توجه به کار کردهایی که این گروه‌ها می‌توانستند داشته‌باشند به صورت حزبی عمل نمایند.

لذا با توجه به آنچه بیان شد می‌توان کارکرد و ویژگی‌های احزاب را به صورت خلاصه به شرح زیر داشت:

- عضوگیری
- کادرسازی و گزینش نامزدهای انتخاباتی
- آر.آمان مشترک، داشتن تشکیلات منظم
- تلاش در جهت کسب قدرت سیاسی و مشارکت
- تداوم در فعالیت و داشتن شعب محلی و گسترده در سطح کشور
- تلاش برای گسترش پایگاه و هواداران خود

کلام رهبری

فلسفه تعبد به احکام شرع مقدس



تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار ببندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می‌شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در منش ظاهری هست؛ در فکر هست؛ در شیوه اداره جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آن جاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد ـ میدان تعبد و شرع است ـ باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلمشان بیشتر به کار افتاد، فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسئله طهارت و نجاست، مسئله محرم و نامحرم، مسئله عبادت و نماز و خضوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکره بیشتر پیشرفت کرد، فهمیدند اینجا هم فلسفه‌ها و حکمت‌های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت‌های انسانی دارد (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳/۳/۱۳۸۳).

ما هیچ چیز کم نخواهیم داشت؛ چون آن محاسبه غیبی، محاسبه بسیار دقیقی است و محاسبه‌گرش خداست و دستگاه حساب‌کننده‌اش، علم الهی است که «لا یعزب عنه مثقال ذره فی السموات و لافی الارض».

حکمت‌های انسانی دارد؛ بالاتر از آن، دانشجویان بسیجی ۱۳/۳/۱۳۸۳).

ما هیچ چیز کم نخواهیم داشت؛ چون آن محاسبه غیبی، محاسبه بسیار دقیقی است و محاسبه‌گرش خداست و دستگاه حساب‌کننده‌اش، علم الهی است که «لا یعزب عنه مثقال ذره فی السموات و لافی الارض».

تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار ببندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می‌شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در فکر هست؛ در شیوه اداره جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آن جاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد ـ میدان تعبد و شرع است ـ باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلمشان بیشتر به کار افتاد، فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسئله طهارت و نجاست، مسئله محرم و نامحرم، مسئله عبادت و نماز و خضوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکره بیشتر پیشرفت کرد، فهمیدند اینجا هم فلسفه‌ها و حکمت‌های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت‌های انسانی دارد (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳/۳/۱۳۸۳).

تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار ببندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می‌شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در فکر هست؛ در شیوه اداره جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آن جاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد ـ میدان تعبد و شرع است ـ باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلمشان بیشتر به کار افتاد، فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسئله طهارت و نجاست، مسئله محرم و نامحرم، مسئله عبادت و نماز و خضوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکره بیشتر پیشرفت کرد، فهمیدند اینجا هم فلسفه‌ها و حکمت‌های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت‌های انسانی دارد (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳/۳/۱۳۸۳).

تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار ببندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می‌شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در فکر هست؛ در شیوه اداره جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آن جاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد ـ میدان تعبد و شرع است ـ باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلمشان بیشتر به کار افتاد، فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسئله طهارت و نجاست، مسئله محرم و نامحرم، مسئله عبادت و نماز و خضوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکره بیشتر پیشرفت کرد، فهمیدند اینجا هم فلسفه‌ها و حکمت‌های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت‌های انسانی دارد (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳/۳/۱۳۸۳).

تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار ببندازید و آن خلأ را پُر کنید؛ این می‌شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در فکر هست؛ در شیوه اداره جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آن جاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد ـ میدان تعبد و شرع است ـ باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلمشان بیشتر به کار

در قسمت‌های پیشین به این موضوع پرداختیم که بر اساس اصل یازدهم قانون اساسی «به حکم آیه کریمه... «سوره انبیاء، آیه ۹۲» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه انتلاف و اتحاد عمل اساسی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» بنابراین یکی از محورهای اصلی این بند «امت واحده» که در آیه شریفه و این اصل مورد تأکید قرار گرفته است. به همین منظور برای فهم مبانی این اصل از قانون اساسی در مقام بیان مفهوم «امت» بر آمدیم و در همین راستا عناصر ایجاد یک دولت و کشور و مفهوم مرتبط با «امت» یعنی «ملت» را مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم که ملت مجموعه‌ای از افراد هستند که به واسطه اشتراک در برخی عوامل نظیر نژاد، سرزمین، زبان، فرهنگ و تاریخ عقاید و جهان‌بینی، به هم پیوند خورده و احساس تعلق و هویت مشترک دارند.

اما پس از شناختن مفهوم «ملت» و پیش از پرداختن به مفهوم «امت» لازم است چند مفهوم دیگر از قبیل «ملیت و تابعیت» و «شهروند» نیز مورد تبیین قرار بگیرد تا مفهوم «امت» به نحو روشن‌تری تبیین شود. «ملیت و تابعیت» بیابگر «رابطه قانونی به معنای عضویت در یک ملت یا دولت است، به طور کلی ملیت شامل وظایف فرمانگزاری از سوی فرد و حمایت از سوی دولت است. افراد، شرکت‌ها، کشتی‌ها و هواپیماها همگی از نظر حقوقی ملیت دارند و از این نظر «ملیت» فراگیرتر از شهروندی است، گرچه «ملیت» بیشتر در مورد افراد طبیعی به کار می‌رود. ملیت را عموماً «حقی جدایی ناپذیر برای هر فرد بشری» شمرده‌اند. به بیان دیگر «تابعیت رابطه‌ای است معنوی و ذاتاً سیاسی که شخص را به کشور معینی مربوط می‌سازد.» از آنجایی که تابعیت، منشأ حق و تکلیف است، رابطه‌ای حقوقی نیز می‌باشد. به عنوان مثال ایرانی‌الاصل بودن این حق را برای فرد ایجاد می‌کند که امکان انتخاب شدن به مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس یا تا ۲۸ ضربه شلاق یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

#### قانون اساسی

شرح اصل یازدهم – قسمت سوم

تفاوت‌های امت و ملت

اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۴۱ و ۴۲ یکی از حقوق ملت راقق تابعیت برشمرده و اعلام نموده است:
تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

«شهروند» نیز فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی بر خردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سویی دیگر در برابر دولت، تکلیف‌هایی بر عهده دارد. بنابراین اتباع یک کشور یا دولت، همان شهروندان می‌باشند که حقوق و تکالیف آنان توسط قوانین اساسی و مدنی تعیین می‌گردد. «رابطه تابعیت، رابطه شهروندی نیز می‌باشد.

اما در خصوص مفهوم «امت» باید گفت که مفهوم «امت» صرفاً مفهومی عقیدتی است که از ریشه اُمّ، یَوْمٌ مرادف فُصْدٌ، یُفْصِدُ می‌باشد. اطلاق «اُمّ» بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی‌های خود یا به جهت احساس آرامش او را قصد می‌کند. در واژه «اُمّ» حالت ازماندگی که در واژه «والده» وجود دارد نیست بلکه مقصد و مقصود بودن و ملجأ بودن مادر. نسبت به فرزند مطرح است. بر این اساس که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. مرز میان «امت‌ها» مرزی عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحده اسلامی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است.

بنابر این یکی از تفاوت‌های اساسی نظام سیاسی اسلام با مکاتب سیاسی و حقوقی معاصر در می‌زند. موضوع میان «ملت» و «امت» است. اسلام از آن جهت که دینی جاوداتی و جهان‌شمول است و جامعه بشری را مخاطب خویش می‌داند، بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسان‌ها سربرازگیری می‌کند و نام «امت واحده» را بر پیروان خویش می‌نهد. ایسن مفهوم که کلی با مفهوم شهروندی که افراد را به دولت حاکم در یک سرزمین معین مرتبط می‌سازد متفاوت است.